



## تحلیل معنای قرض الحسنه در قرآن و روایات

محمد شریفی؛ مصطفی قاسمی

استادیار دانشگاه مازندران

کارشناسی ارشد علوم و قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

m.sharifi@umz.ac.ir

mostafaghasemi31@gmail.com

### چکیده

در قرآن مجید در شش آیه، کلمه قرض، مقرون به وصف «حسن» است و در آن‌ها ذات باری تعالی گیرنده قرض شمرده شده و برای این عمل، پاداش مضاعف در نظر گرفته شده است. در روایات نیز به جنبه‌های مختلف این مقوله پرداخته شده است. هر چند قرض‌دهنده، مال را به ظاهر به شخص قرض‌گیرنده می‌دهد و نه به خدا؛ ولی خداوند در قرآن، خودش را طرف قرض می‌داند؛ گویا قرض، مستقیم به او داده می‌شود و اوست که مال قرض را می‌گیرد. هدف از برقراری قرض الحسنه ای که از آن به وام نیکو تعبیر شده است، رفع نیازهای اساسی افراد است. این نوشتار، سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع روایی و تفسیری، ماهیت قرض الحسنه را مورد توجه قرار دهد. نتایج پژوهش، گویای این است که آیاتی که در آن از لفظ «قرض»، استفاده و به صفت «حسن» مقرون شده است، فقط بر قرض الحسنه مصطلح، دلالتی ندارد؛ بلکه هرگونه انفاق؛ از جمله، جهاد در راه خدا را هم شامل می‌شود؛ گرچه قرض الحسنه مصطلح و فقهی را نیز در بر می‌گیرد. با بررسی انجام شده آیات و احادیث در مورد قرض الحسنه را به چهار گروه می‌توان تقسیم نمود، که عبارتند از: ۱. تشویق به عرضه و جوه ۲. انذار از عدم عرضه ۳. رفع مشکل عرضه ۴. کنترل تقاضا. واژگان کلیدی: قرض الحسنه، قرض ربوی، انفاق، وام نیکو

### ۱. مقدمه

نظام اقتصادی اسلام برای مقابله با رباخواری، شیوه‌ای جایگزین نموده تا کسانی که توانایی باز پرداخت سود را ندارند بتوانند از عهده آن برآیند. در این شیوه که پاداش اخروی، مدنظر است تلاش شده تا نابرابری‌های درآمدی از بین برود. بنابراین، نظام اقتصادی اسلام، نهاد قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمدها قرار داده است. یکی از مهمترین تفاوت‌های نظام مالی اسلام با نظام سنتی و رایج، به رسمیت شناختن انگیزه‌های معنوی در کنار پذیرش انگیزه‌های سودطلبانه است. در واقع، فرهنگ غنی اسلامی با برانگیختن انگیزه‌های معنوی، درصدد تنظیم رفتارهای اقتصادی در جهت رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی است (هادوی نیا، ۱۳۸۰، ص ۸۳-۸۵). در این صورت، کسب سود مادی، مجاز و قابل احترام است؛ اما، تنها انگیزه فعالیت‌های مالی نیست. در نظام مالی اسلام، برای از بین بردن فقر و کاهش آن علاوه بر مالیات‌های اسلامی به انفاق فقرا و نیازمندان تأکید شده است. یکی از انفاق‌هایی که به آن تأکید فراوان شده، قرض الحسنه است. قرض الحسنه، سنتی اسلامی است که اقتصاد را در خدمت عقیده می‌گیرد. قرض الحسنه تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجویی‌های اقتصادی است. قرض الحسنه یکی از انفاق‌هایی است که به

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



معنی عمل حقوقی قرض دادن به دیگران نیست، بلکه در فرهنگ اسلامی از آنجا که نباید از مال قرض داده شده، سودی دریافت گردد، عقد قرض، کاربردی غیرانتفاعی دارد و در رفع حوائج و مشکلات افراد جامعه از آن استفاده می‌شود. از آنجا که در فرهنگ اسلامی به جلوگیری از انباشت سرمایه فوق‌العاده در دست اغنیاء اشاره شده است، آن‌ها می‌توانند با انفاق کردن و قرض‌الحسنه دادن آن ثروت‌ها به فقرا از این عدم توازن جلوگیری کنند. البته این قرض دادن، سبب رشد و تکامل معنوی افراد قرض دهنده می‌شود؛ به شرط آنکه این قرض دادن از روی صداقت و صفا و در راه خدا باشد نه برای ربا.

## ۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با قرض‌الحسنه و جایگاه آن تحقیقات زیادی انجام شده و کتب و مقالات زیادی نوشته شده است که به اختصار به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. کتاب «ربا و قرض در اسلام» اثر «محمدحسین ابراهیمی» (۱۳۷۲)
۲. کتاب «انفاق و قرض‌الحسنه در قرآن» اثر «محمد حسین مجاهد» (۱۳۹۰)
۳. کتاب «پژوهشی در باب قرض‌الحسنه در اسلام» اثر «مرتضی پویان» (۱۳۹۳)
۴. کتاب «چهل حدیث قرض و ربا» گردآورنده «هادی موحدی» (۱۳۸۴)
۵. کتاب «قرض‌الحسنه از نگاهی دیگر» اثر «حسین غضنفری» (۱۳۹۴)
۶. مقاله «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران» نویسندگان: «عباس عرب مازار و سعید کیقبادی» (۱۳۸۵)
۷. مقاله «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی» نویسنده: «مجید حبیبیان نقیسی» (۱۳۸۱).

در پژوهش‌های انجام شده به بررسی جایگاه قرض‌الحسنه و ربا از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده است. در این پژوهش به تحلیل معنای قرض‌الحسنه در آیات و روایات و احادیث پرداخته می‌شود.

## ۳. قرض‌الحسنه در لغت

«قرض»، گونه‌ای از بریدن است. آنچه انسان از پارچه و غیر آن مقداری را قطع می‌کند، می‌گویند قرض کرده است و ابزار قطع کردن را «مِقْرَاض» و ریخته و مانده آن را «قِرَاضه» و مالی را که به دیگری داده می‌شود به شرط باز گرداندن عین یا بدل آن، قرض می‌خوانند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۷، ص ۲۱۶)؛ گویا قرض‌دهنده، آن مال را از بقیه اموالش بریده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۵۸۳). تفاوت قرض و دین در اجل است: دین مدت دار است و قرض مدت ندارد (ابی هلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۶). در لغت اهل حجاز، مضاربه را قِرَاض گویند (ابن اثیر، بی تا، ج ۴، ص ۴۱).

برخی، قرض را این‌گونه معنا کرده‌اند: «قرض آن است که انسان، مالی را به دیگری بدهد تا از آن استفاده مالکانه کند و عوض یا مثل و قیمت آن را بپردازد.» در همین کتاب، از قول مذهب حنفی آورده‌اند: «قرض چیزی است که مثلی باشد که مثل آن دریافت شود. از این‌رو، قرض بر مثلثات صحیح است.» همچنین شافعی گفته است: «قرض، تملیک کردن چیزی است که مقترض از آن استفاده کند و مثل آن را برگرداند» (بیگ‌محمدی، ۱۳۸۶: ص ۱۲).

قرآن کریم از تجاوز دادن، گذراندن از وضعی به وضع دیگر یا دگرگونی از حالتی به حالت دیگر و منتقل شدن، به «قرض» تعبیر کرده است: «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ» (الکهف/۱۷): «خورشید، اصحاب کهف را در هنگام غروب از وضعی به وضع دیگر به طرف چپ دور می‌زد که مستقیماً به آنها نتابد.»

# مومین کنفرانس ملّی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی



معنای معروف و شایع قرض در کتب لغت، قطع کردن و بریدن است؛ اگر چه به تناسب کلام در معانی دیگر نظیر روی گرداندن از مکان، دور شدن از مکان، به چپ و راست رفتن، جویدن و پاداش دادن به کار رفته است (معین، ۱۳۶۰، ص ۲۶۵۸؛ سیاح، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹۶؛ جر، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲۸).

فقیهان امامیه و اهل سنت، از لفظ قرض، معنای یکسانی را در نظر می گیرند و تقریباً در این تعریف اتفاق نظر دارند که «قرض آنست که مالی به دیگری تملیک شود، به طوری که او نیز ضامن بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن شود» (امام خمینی، بی تا، ص ۱۴۹).

ماده اقراض در قرآن همه جا درباره ی قرض دادن به خدا آمده و همه با وصف «حَسَنًا» مقید شده است. اتفاق در راه خدا قرض دادن به خدا خوانده شده که آن از طرف خدا برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است. واژه «حسن»، صفت قرض الحسنه قرار گرفته است؛ «حسن» یعنی زیبا و نیکو (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۵) و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منت گذاردن و اذیت، ضایع نکند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۰۸). واژه قرض الحسنه با این هیئت در آیات، روایات و کلمات فقها به کار نرفته است. در زبان عربی از عبارت «القرض» و یا «القرض الحسن» به عنوان معادل آن استفاده می شود. ظاهر این است که «ة» وصفی به آخر «الحسن» اضافه شده و به «القرض الحسنه» تبدیل گشته و در زبان فارسی با حذف الف و لام به صورت «قرض الحسنه» درآمده است که اصطلاحی عامیانه به شمار می رود (رفیعی، بی تا، ص ۶۰).

## ۴. قرض الحسنه در قرآن

در قرآن مجید در هفت آیه، کلمه قرض و مشتقات آن به کار رفته است و به جز یک مورد (معنای گذشتن و روی گرداندن از مکان (کهف، ۱۷ و ۱۸)؛ کلمه قرض، مقرون به وصف حسناً است و در آن ها ذات باری تعالی گیرنده قرض شمرده شده است. به اجمال، احتمالاتی را که درباره دلالت این آیات بیان شده است عبارتند از:

۱. گمان می شود مقصود از قرض الحسنه به خداوند متعالی در این آیات، وام دادن به بندگان باشد؛ زیرا خداوند به وام نیازی ندارد؛ ولی بندگان مؤمن او ممکن است نیازمند وام باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۲۳، ص ۳۳۴). به عبارت دیگر، چون محال است خداوند متعالی نیازمند باشد، قرض دادن به خداوند باید به وام دادن به بندگان نیازمند حمل شود (مروارید، ۱۴۱۰ ق: ج ۱۵، ص ۲۵؛ طریحی، ۱۳۹۵ ق: ج ۴، ص ۲۲۵).

۲. قرض دادن یعنی اعطای چیزی به دیگری تا در وقت معین عوض آن را دریافت کند؛ بنابراین، برای اعمال نیکو که در آخرت پاداش آن داده می شود، از لفظ قرض عاریه گرفته شده است و به قرض الحسنه مصطلح و مشروعیت آن ربطی ندارد (همان: ج ۲، ص ۲۲۵).

۳. مقصود از قرض که در آیات قرآن مجید به آن دعوت شده، جهاد یا اعمال مستحبی است. این کاربرد مجازی است (طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۲۸۵).

۴. مقصود از قرض در این آیات، اعطای نفقه در امور واجب و مستحب است (طبرسی، بی تا: ج ۲۴-۲۷، ص ۱۳۲).

۵. مقصود از آن جهاد در راه خدا است (طبرسی، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۴).

۶. روایاتی نیز در تفسیر این آیات آمده است که مقصود از قرض را اعطای مال به امام المسلمین برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی می داند (عروسی حویزی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۲۴۳).

می توان گفت اکثر مفسران امامیه و اهل سنت، مقصود از قرض الحسنه را انفاق های واجب و مستحب می دانند که صرفاً بر قرض الحسنه مصطلح، دلالتی ندارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که اثبات دلالت آیات مورد نظر بر قرض الحسنه مصطلح، اگر در عمل، غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است؛ با وجود این، بسیاری از نویسندگان معاصر از این آیات در بحث

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



قرض الحسنه استفاده کرده‌اند و حتی برخی به استخراج اصولی از آن‌ها در مورد قرض الحسنه پرداخته‌اند (حکیمی، ۱۳۶۰: ج ۶، ص ۹۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۱۲۲؛ ابراهیمی، ۱۳۷۱: ص ۱۳-۲۳، اشتهاوردی و عبدوس، ۱۳۵۷: ص ۲۰-۲۲)؛ از این رو، ناچار به بحث تفصیلی در تفسیر این آیات هستیم و می‌کوشیم با تکیه بر تعداد قابل قبولی از تفاسیر معروف امامیه و اهل سنت، از قدما تا عصر حاضر، صحت استناد به آیات مذکور را بکاویم.

در سوره بقره در حالی که آیات قبل و بعد آن به جنگ و جهاد مربوط است، چنین می‌خوانیم: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/۲۴۵): کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خداوند آن را چندین برابر کند و خداوند [روزی بندگان را] محدود و گسترده می‌سازد و به سوی او باز می‌گردید.

مفسران امامیه، ذیل این آیه گفته‌اند: خداوند متعال پس از آن که مسلمانان را به جهاد، ترغیب فرمود، در ادامه با لطافت خاصی آن‌ها را به اعمال نیک و انفاق در راه خیر خواند و انفاق را قرض نامید تا بر پاداش آن تأکید کند. مقصود از قرضاً حسناً نیز انفاق از اموال حلال است که با منت و اذیت همراه نباشد. صاحب تفسیر اطیب البیان، معتقد است واژه‌ی «قرض» در این آیه، دارای یک معنای عام و مفهوم وسیع است و شامل تمام انفاق‌های در راه خدا می‌شود؛ چه انفاق واجب مانند خمس، زکاة، نفقه واجب النفقہ، مصارف حج واجب و... یا انفاق مستحب؛ مانند صدقه مستحب، صلہ رحم، احسان بفقراء و ایتام، اعلاء کلمه دین، زیارات، سوگواری خاندان عصمت، طهارت، اعانت به اهل علم، نشر کتب علمیه و سایر مصارف خیریه که هر کدام دارای اجرو پاداش بزرگ است. لذا خداوند، تمام انفاق‌های در راه خدا را، با تعبیر «قرض دادن به خدا» بیان فرموده است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۹۹).

شأن نزول این آیه نیز نشان‌دهنده ارتباط آن با انفاق در راه خدا است، نه قرض الحسنه مصطلح. در شأن نزول این آیه آمده است که پس از نزول این آیه، شخصی به نام ابودحداح یکی از دو قطعه زمین خود را در راه خدا انفاق کرد و پیامبر اکرم برای او دعا کرد (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱-۲، ص ۶۰۸؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۸۷). روایات نیز دلالت دارد که این آیه در مورد اعطای مال به امام مسلمانان است (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۷۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۴۳).

اطلاق قرض بر انفاق، کاربرد مجازی است، نه حقیقی؛ چون بین آن‌ها فرق‌های محسوسی وجود دارد. غرض از قرضاً حسناً هم انفاق با مال حلال و صرفاً برای رضای خدا است که با منت، اذیت و ربا همراه نباشد (رازی، ۱۴۱۱ق: ج ۵-۶، ص ۱۴۱؛ شیرازی بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۳۹؛ انصاری قرطبی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۳۷؛ سیدقطب، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۶۵؛ رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۶۲؛ مراغی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹۱). الدر المنثور نیز تصریح می‌کند که روایات گوناگونی ذیل این آیه وارد شده است که مقصود از اقراض به خداوند متعالی را انفاق در راه او یا دادن نفقه به خانواده دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۱۲).

بنابراین، وام دادن به خداوند به معنی «انفاق فی سبیل الله» است و به گفته بعضی از مفسران، انفاق‌هایی است که در راه جهاد می‌شود، زیرا در آن زمان تهیه هزینه‌های مختلف جهاد، بر دوش مبارزان مسلمان بود، در حالی که بعضی دیگر معتقدند هر گونه انفاقی را شامل می‌شود، هر چند بعد از آیه جهاد وارد شده است (رازی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ص ۱۶۶)؛ ولی تفسیر دوم با ظاهر آیه سازگارتر است، به خصوص اینکه معنی اول را نیز در بر می‌گیرد، و اصولاً انفاق در راه خدا، و کمک به نیازمندان و حمایت از محرومان، همان کار جهاد را می‌کند، زیرا هر دو مایه استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۲۲۷).

به اعتقاد آیت الله جوادی آملی، قرض الحسنه مصطلح قرآنی که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود، هر کار خیری است که برای خدا انجام داده شود؛ عبادت مصطلح باشد یا انفاق مالی یا کاری عام المنفعه. به نظر وی، سر تعبیر از این معنای



# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام

عام به «قرض الحسنه»، محفوظ بودن اصل عمل نزد خداست، چنان که در عقد قرض، مال باز می‌گردد و خدا چندین برابر آن پاداش می‌دهد. البته قرضی که به سبب نداشتن حسن فعلی یا فاعلی یا درپی داشتن منت و اذیت، نیکو و پاکیزه نباشد مقبول خدا نیست. قرض الحسنه مالی از لحاظ صبغه مردمی نیز حسن است، زیرا جامعه را از فقر و بیکاری و ذلت می‌رهاند و در تهذیب نفس و بخل‌زدایی نیز سهم بسزایی دارد (۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۵۸۲).

آیت الله جوادی آملی در فرق بین قرض الحسنه فقهی و قرض الحسنه قرآنی می‌گوید: «قرض الحسنه مصطلح فقهی با انفاق و قرض الحسنه مصطلح قرآنی فرق دارد: قرض الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض دهنده، مال معینی را با قصد استرداد نه رایگان، به کسی می‌دهد؛ خواه عین آن یا مالیت آن در ضمن مالی دیگر بازگردد. روایات فقهی نیز به همین قرض نظر دارند (حر العاملی، بی تا: ج ۱۸، ص ۳۲۹)؛ ولی قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد و شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود، زیرا از منظر قرآن کریم، هر کار خیری که انسان برای خدا انجام می‌دهد، قرض الحسنه به اوست؛ خواه عبادت مصطلح باشد مانند نماز و روزه؛ یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه مانند مسجد و مدرسه‌سازی؛ یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا (همان، ص ۵۸۷). وی در ادامه می‌گوید: «افزون بر آنکه گیرنده قرض الحسنه در این گونه آیات، خداست نه مردم؛ اگر می‌فرمود «کیست که به مؤمنان قرض الحسنه دهد»، معلوم بود مراد، قرض الحسنه متعارف و مصطلح فقهی است؛ اما از اینکه فرموده: کیست که به خدا قرض نیکو دهد، معلوم می‌شود کار خیر یا انفاق مالی که انسان برای خدا انجام می‌دهد رایگان و بدون عوض نیست: خداوند اولاً عین آن را به او بازمی‌گرداند: «وما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (البقره/۱۱۰) و ثانیاً چندین برابر آن پاداش می‌دهد: «فِيضَاعَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً». بر این اساس خداوند از انفاق رایگان به قرض الحسنه تعبیر کرده است، چون عین آن برمی‌گردد (همان).

## چرا تعبیر به قرض؟

در چندین آیه از قرآن مجید در مورد انفاق در راه خدا تعبیر به قرض و وام دادن به پروردگار آمده است، و این نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را از یک سو و کمال اهمیت مساله انفاق را از سوی دیگر می‌رساند، با اینکه مالک حقیقی سراسر هستی او است، و انسانها تنها به عنوان نمایندگی خداوند، در بخش کوچکی از آن، تصرف می‌کنند چنان که در آیه ۷ سوره حدید می‌خوانیم: «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ»، «ایمان به خدا و رسولش بیاورید و از آنچه خداوند شما را در آن نماینده خود ساخته، انفاق کنید»؛ ولی، با این حال برمی‌گردد و از بنده خود استقراض می‌کند، آن هم استقراضی با چنین سود بسیار فراوان، «کرم بین و لطف خداوندگار» در نهج البلاغه آمده است که امام علی (ع) می‌فرماید:

«و استقرضکم و له خزائن السموات و الارض و هو العنی الحمید و انما اراد ان ییلوکم ایکم احسن عملاً»: «خداوند از شما در خواست قرض کرده در حالی که گنجهای آسمان و زمین از آن او است و بی نیاز و ستوده، (آری اینها نه از جهت نیاز او است) بلکه می‌خواهد شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید» (سید رضی، ۱۴۱۵: خطبه ۱۸۳).

## ۵. شرایط و مشخصات قرض الحسنه

پاکیزه بودن خداوند می‌طلبد که تنها نیات و اعمال و اموال پاکیزه و نیکو را بپذیرد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر، ۳۵)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» بقره (۲/۲۶۷)؛ «پس قرضی که به سبب عدم حسن فعلی یا نبود حسن فاعلی، نیکو و پاکیزه نباشد، مقبول خداوند نیست».

درباره انفاق منافقان آمده است: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ» (توبه، ۹)؛ یعنی انفاق منافقان پذیرفته نمی‌شود؛ چه با میل یا عدم میل باطنی باشد، زیرا رغبت اینان از روی ایمان به الله نیست، بلکه برای رسیدن به منافع مادی شخصی است و به انفاق مخلصانه میلی ندارند: «وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه، ۹).



# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام

می توان گفت که منافقان در انفاقهای به ظاهر با میل و رغبت نیز قلباً از روی میل عمل نمی کنند؛ بلکه، برای جلب نظر مردم و رسیدن به اغراض پلیدشان خود را ناگزیر از این اعمال می بینند.

خداوند تنها فعل و مال حسن و طیب را، آن هم فقط از شخص محسن می پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده، ۵)، پس هم حسن فاعلی (محسن و متقی بودن) لازم است و هم حسن فعلی (خالصانه برای خدا دادن)، بنابراین اگر مال طیب و حلال باشد و قرض دهنده نیز غرضی جز رضای خدا نداشته باشد و پیامدهای تلخ، مانند منت و اذیت به دنبال آن نباشد، آن قرض، حسن می شود: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (بقره، ۲۴۵) و نزد خدا پذیرفته است. بین قطع علاقه و انقطاع تعلق و کمال انقطاع، تفاوت درخور توجه است، چنان که اقراض مزبور از آن جهت که امتثال دستور خداست، همانند سایر امتثال ها گاهی برای خوف از دوزخ و زمانی برای شوق به بهشت و وقتی نیز برای شکر و محبت به خداست و احسن قرضها آن است که برای محبت الهی باشد. این گونه از قرضها حدوثاً و بقاءً حسن اند و هرگز با منت و اذیت بعدی همراه نخواهند شد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۵۹۱).

تعبیر به «قرضا حسنا» در آیه فوق اشاره ای به این حقیقت است که وام دادن، خود انواع و اقسامی دارد که بعضی را «وام نیکو» و بعضی را وام کم ارزش و یا حتی بی ارزش می توان شمرد. قرآن مجید شرایط وام نیکو را در برابر خداوند یا به تعبیر دیگر «انفاق ارزشمند» را در آیات مختلف بیان کرده است، و بعضی از مفسران از جمع آوری آن ده شرط استفاده کرده اند: ۱- از بهترین قسمت مال انتخاب شود نه از اموال کم ارزش؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره، ۲۶۷). «ای کسانی که ایمان آورده اید از اموال پاکیزه ای که به دست آورده اید، یا از زمین برای شما خارج ساخته ایم انفاق کنید، و به سراغ قسمت های ناپاک برای انفاق نروید در حالی که خودتان حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض، و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است».

۲- از اموالی که مورد نیاز انسان است باشد، چنان که می فرماید «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَا لَكُمْ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، «آنها دیگران را بر خود مقدم می دارند هر چند شخصا شدیداً نیازمند باشند» (حشر، ۹).

۳- به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویتها را در نظر گیرد: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، «انفاق شما (مخصوصاً) برای نیازمندی باشد که در راه خدا در محاصره قرار گرفته اند» (بقره، ۲۷۳).

۴- انفاق اگر مکتوم باشد بهتر است: «وَأِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهُمَ الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»، «هرگاه آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است» (بقره، ۲۷۱).

۵- هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»، «ای کسانی که ایمان آورده اید انفاق های خود را با منت و آزار باطل نکنید» (بقره، ۲۶۴).

۶- انفاق باید توأم با اخلاص و خلوص نیت باشد: «يُفِيقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، «کسانی که اموالشان را برای جلب خشنودی خداوند انفاق می کنند» (بقره، ۲۶۵).

۷- آنچه را انفاق می کند کوچک و کم اهمیت بشمرد هر چند ظاهراً بزرگ باشد: «وَلَا تَمَنَّوْا تَسْتَكْبِرُوا»، «به هنگام انفاق منت مگذار و آن را بزرگ مشمر» (مدثر، ۶).

۸- از اموالی باشد که به آن دل بسته است و مورد علاقه او است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»، «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید» (آل عمران، ۹۲).



# مومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام

۹- هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکنند، بلکه خود را واسطه‌ای میان خالق و خلق بدانند: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ»، «انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است» (حدید، ۷).

۱۰- و قبل از هر چیز باید انفاق از اموال حلال باشد، چرا که خداوند فقط آن را می‌پذیرد: «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»، خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می‌کند» (مائده ۲۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۳، ص ۳۲۳).

چنان‌که از نظر قاطبه مفسران امامیه و اهل سنت پیدا است، مقصود از قرض در این آیه، انفاق و صدقه و در واقع پرداخت‌های انتقالی بلاعوض است که با تعبیر بسیار لطیفی، وام به خداوند متعالی نامیده شده است؛ بنابراین فهم مفهوم قرض الحسنه مصطلح از آن، اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل خواهد بود.

۲. در این آیه شریفه بدون آن که در آیات قبل یا بعد مطلبی درباره جهاد و جنگ داشته باشد، خطاب به نجای بنی اسرائیل چنین آمده است:

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» .

خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آن‌ها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند [به آن‌ها] گفت: من با شما هستم؛ اگر نماز بر پا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان آورید و آن‌ها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او به نیازمندان کمک کنید] گناهان شما را می‌پوشانیم [می‌بخشیم] و شما را در باغ‌های بهشت که نهرها زیر درختان آن جاری است، وارد می‌کنیم؛ اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف شده است.

در کتاب‌های تفسیری امامیه ذیل این آیه چنین آمده است: به شرطی خداوند از بندگان حمایت خواهد کرد که از اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبر و یاری آن‌ها و پرداخت انفاق‌های مستحب که نوعی قرض الحسنه با خدا است، خودداری نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۲۱۰)؛ بنابراین، می‌فرماید خدا را قرض نیکویی دهید که همان صدقات و انفاق‌های مستحب است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۳؛ طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۴۶۷؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۱؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۲۸۰).

طبرسی در مجمع‌البیان، شرایطی را برای قرض الحسنه بیان کرده است. از آن جمله این‌که: ۱. از مال حلال باشد. ۲. از مال سالم باشد. ۳. برای مصرف ضروری باشد. ۴. بی‌منت باشد. ۵. بی‌ریا باشد. ۶. مخفیانه باشد. ۷. با عشق و ایثار پرداخت شود. ۸. سریع پرداخت شود. ۹. قرض‌دهنده خداوند را بر این توفیق شکرگزار باشد. ۱۰. آبروی گیرنده وام حفظ شود (۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۳۵۴).

در کتاب‌های تفسیری اهل سنت، ذیل آیه آمده است: بعد از زکات که انفاق عام است می‌فرماید: انفاق به صورت قرض به خداوند کریم است. اگر چه او بخشنده همه چیزها است، در عین حال انفاق را قرض به خودش نامیده است (سیدقطب، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۸۵۸؛ رازی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۱-۱۲، ص ۱۸۶؛ شیرازی بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۵۹؛ طنطاوی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۵۳؛ انصاری قرطبی، بی‌تا: ج ۶، ص ۱۱۴؛ رشیدرضا، بی‌تا: ج ۶، ص ۲۸۱).

روایات بسیاری هم درباره ميثاق بنی اسرائیل ذیل این آیه وارد شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۶۷). این بیان نیز گویای آن است که قرض الحسنه (قرضاً حسناً) در قرآن کریم، به اسلام منحصر نیست و شاهد دیگری است که مقصود از آن، انفاق است، نه قرض الحسنه؛ بنابراین، ترجمه و سیاق و نظر مفسران امامیه و اهل سنت نشان می‌دهد که مقصود از قرض

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



در این آیه نیز انفاق است، نه قرض الحسنه مصطلح. همچنین می توان فهمید که در امت های گذشته نیز قرض الحسنه، مفهوم آشنا و معروف بود که شارع مقدس در این آیه خطاب به قوم بنی اسرائیل از آن برای انفاق، استعاره آورده است. ۳. قرآن کریم پس از تشویق به انفاق در آیات قبل، در این آیه می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، «کیست که به خدا وام نیکو دهد [و اموالی که به او ارزانی داشته]، انفاق کند تا خداوند آن را برایش چندین برابر کند و برای او اجر فراوان پرارزشی است» (حدید، ۱۱).

روایات در مقام تفسیر این آیه، دلالت می کند که مقصود از قرض الحسنه در این آیه، اعطای مال به امام مسلمانان است (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۲۳۹).

مفسران اهل سنت نیز در تفسیر این آیه بیان داشته اند که خداوند متعال با این آیه، بر تشویق انسان ها به انفاق در یاری مسلمانان، جنگ با کافران و رفع مشکل فقیران تأکید کرده است و از این رو که در ازای انفاق، بهشت وعده داده شده، این عمل قرض نامیده و به آن تشبیه شد (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۴۷۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۸، ص ۲۴۲).

برخی مقصود از این انفاق را واجب و عده ای مستحب دانسته اند؛ ولی اقرب آن است که مقصود هر دوی آن ها باشد (رازی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۲۳؛ شیرازی بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۴۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۳۵۲؛ طنطاوی، ۱۴۱۲ق: ج ۲۴، ص ۹۷؛ انصاری قرطبی، بی تا: ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ حجازی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ص ۴۷۶).

نگاه اجمالی به آیات پیشین نشان می دهد که این آیه نیز به انفاق مربوط است؛ البته با لطافت خاصی، از طریق تشبیه انفاق در راه خدا به قرض به ذات حق، تشویق به انفاق به بهترین وجه صورت گرفته است؛ بنابراین، افزون بر بیان مفسران امامیه و اهل سنت، سیاق آیه نشان می دهد که بحث، مربوط به انفاق است، نه قرض الحسنه مصطلح.

۴. «إِنَّ الْمُؤَدِّقِينَ وَالْمُؤَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، «مردان و زنان انفاق کننده و آن ها که [از این طریق] به خدا قرض الحسنه دهند، برای آن ها مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند» (حدید، ۵۷).

مفسران در بیان این آیه گفته اند: این آیه شریفه داستان اجر کریم و مضاعف را دوباره تکرار کرد تا به این وسیله نیز به انفاق در راه خدا ترغیب کرده باشد. پیش از این، انفاق کنندگان را قرض دهندگان به خدا می خواند و در این آیه صدقه دهندگان را نیز چنین خوانده است (طباطبایی، بی تا: ج ۳۷، ص ۳۳۸؛ طوسی، بی تا: ج ۹، ص ۵۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۲۳، ص ۳۳۳؛ زمخشری، بی تا: ج ۴، ص ۴۷۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۱۲، ص ۲۵۲)؛ بنابراین، مشاهده می شود که مقصود از قرض در این آیه نیز انفاق و صدقه است و نمی توان برای قرض الحسنه مصطلح از آن استفاده کرد.

۵. بعد از آن که در آیه قبل به انفاق امر کرده است، می فرماید: «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»، «اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد و خداوند شکرکننده و بردبار است» (تغابن، ۱۷).

مفسران امامیه و اهل سنت در تفسیر این آیه گفته اند: غرض سوره، واداری مردم به انفاق در راه خدا و صبر در برابر مصیبت هایی است که در خلال مجاهدات در راه او می بینند. منظور از اقراض خدای تعالی، انفاق در راه خدا است (طباطبایی، بی تا: ج ۳۸، ص ۲۵۳ - ۲۶۶؛ طوسی، بی تا: ج ۱۰، ص ۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۵۱؛ طنطاوی، ۱۴۱۲ق: ج ۲۴، ص ۱۸۹؛ شیرازی بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۰۰؛ سیدقطب، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ص ۳۵۹؛ حجازی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ص ۵۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۲۴، ص ۲۱۱)؛ بنابراین در این آیه شریفه نیز انفاق و صدقه با بیان لطیفی به قرض دادن به خداوند متعالی تعبیر شده است و به قرض الحسنه مصطلح ربطی ندارد.

# مومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



در نتیجه با اتکا بر نظر مفسران می توان گفت که ترجمه، سیاق و تفاسیر آیاتی از قرآن مجید که عبارت قرضاً حسناً در آن ها به کار رفته است، نشان می دهد که منظور از اقراض به خدای تعالی، انفاق در راه او است و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و آن مال انفاق شده را قرض حسن خوانده، به این منظور بود که مسلمانان را به انفاق ترغیب کرده باشد. پاداش مضاعف و غفران در آخرت نیز اشاره به حسن پاداشی است که خداوند متعالی در دنیا و آخرت به انفاق کنندگان می دهد (طباطبایی، بی تا: ج ۳۸، ص ۲۶۶).

کاربرد قرض برای انفاق، بیان لطیفی در دعوت به این عمل نیکو است (زمخشری، ۱۴۰۷ق:ج ۴، ص ۵۵۱). اگرچه بعضی احتمال داده اند که منظور از قرض الحسنه به خداوند در این آیات، به معنای وام دادن به بندگان است (زیرا خدا نیازی به وام ندارد؛ بلکه این بندگان مؤمن هستند که نیازمند وام هستند)، با توجه به سیاق آیات، چنین به نظر می رسد که منظور از قرض الحسنه در همه آیات، همان انفاق فی سبیل الله است؛ هر چند وام دادن به بندگان نیز از برترین اعمال است و در آن حرفی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۲۳، ص ۳۳۴).

## ۶. فقه القرآن و آیات قرض الحسنه

مقصود از فقه القرآن، برداشت های فقهی از آیات قرآن کریم است. از آن جا که بیش از پانصد آیه، متعرض احکام و فروع فقهی و مقررات حقوقی شده، از قرن های گذشته، توجه فقیهان بزرگ به این جنبه از قرآن مجید معطوف بوده است. در این زمینه کتاب هایی چون النهایة فی تفسیر خمساً آیه (فخرالدین بحرانی)، فقه القرآن (راوندی)، کنزالفقان (فاضل مقداد) و زبدةالبیان (مقدس اردبیلی) تألیف شده است. قبل از هرگونه تحلیل و استنتاج، جمله هایی را از کتاب های پیش گفته نقل می کنیم: اگر گفته شود در این آیات، قرض دادن به خدا و معنای مطابقی آن مورد نظر است، باید به نیازمند بودن خداوند قائل شد که این برداشت، به طور قطع غلط است؛ بنابراین باید آن را به قرض دادن بندگان به یکدیگر حمل کرد که در آن اجر بسیاری نهفته، و خداوند پاداش این عمل را عهده دار شده است (فاضل مقداد، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۱). مسأله قرض دادن به خداوند متعال، کاربرد مجازی است؛ چون قرض در حالت نیاز به صورت حقیقی به کار می رود و نیازمند بودن خداوند محال است. معنای آیه بیان لطیفی برای ایجاد انگیزه در بندگان برای انجام اعمال نیک است (قطب راوندی، بی تا: ج ۱، ص ۲۲۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۶۳).

در این آیات، قرض که عبارت از چیزی به قصد دریافت عوض آن در زمان دیگر است، به صورت استعاره برای کارهای نیک به کار رفته است؛ چون کارهای نیکی که بندگان انجام می دهند، به منظور دریافت عوض آن در آخرت هستند، بنابراین نمی توان این آیات را صرفاً برای قرض الحسنه مصطلح استفاده کرد؛ البته ما نیز معتقدیم که این آیات بر معنای مطابقی که به نیازمند دانستن خداوند می انجامد، حمل نمی شود؛ پس محظوری باقی نمی ماند تا مجبور شویم این آیات را به قرض دادن بندگان به یکدیگر حمل کنیم.

اگر کسی بگوید: صدق عنوان قرض بین خدا و بندگان او، دلیل بر مشروعیت عقد قرض بین بندگان نیز هست، در جواب می گوئیم: اولاً، اگر مقصود این نوع از قرض می بود، می بایست به صورت مستقل در کلام پروردگار ذکر می شد؛ ولی تصریحی در این باره صورت نگرفته است. ثانیاً، میان قرض بین خدا و بندگان و قرض بندگان با هم، ملازمه وجود ندارد؛ زیرا قرض بنده به خداوند به قصد دریافت مضاعف است؛ در صورتی که دریافت زیاده در قرض بین بندگان، ربا و حرام است (فاضل مقداد، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۸).

به نظر می رسد عالمان فقه القرآن، صرفاً درصدد ارائه پاسخ به شبهه ای هستند که با نگاه به ظاهر این آیات شریفه ممکن است در اذهان خطور کند؛ چنان که یهودیان جاهل پس از نزول این آیات گفتند «خدایی که از ما قرض می طلبد فقیر

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



است و ما غنی هستیم» (آل عمران/۱۸۱) و برای تخلص از این اشکال برخی با صراحت و برخی به صورت احتمال، قرض بر بندگان را مطرح کردند (قطب راوندی، بی تا: ج ۱، ص ۲۲۳). شاهد بر این اعتقاد، عدم استفاده این عالمان و فقیهان دیگر از این آیات در بحث قرض و دین است.

عیاشی، کلمه معروف در آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/۱۱۴) را به معنای قرض مصطلح دانسته است. (عیاشی، بی تا، ج ۱: ص ۲۷۵).

## ۷. قرض الحسنه در روایات

در منابع حدیثی شیعی و سنی، احادیث فراوانی در مورد «قرض» دیده می شود. با توجه به تبیین شایسته «قرض»، در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، مسلمانان رفته رفته درک صحیحی از «قرض حسن» پیدا کردند. قرض، پیش از دوران نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در جامعه آن روز عربستان و دیگر جوامع رایج بوده است. البته با توجه به آیات قرآن، احادیث و نوشته های تاریخ نویسان، برمی آید که قرض رایج در آن زمان با قرض مورد تأیید مکتب اسلام، فرق داشته است. قرضی که در آن زمان ها داده می شد، بیشتر از نوع «ربوی» بود و سرمایه داران بیشتر از این رهگذر، در پی سود بیشتر بودند تا انجام یک کار خیر و گره گشایی از گرفتاری دیگران (بیگ محمد، ۱۳۸۶: ص ۴۳). پس از ظهور اسلام، با توجه به روح آموزه های اسلامی که برای احیای ارزش های انسانی وضع شده بود، ضروری بود مسئله «قرض» نیز در کنار بسیاری از مسائل دیگر، با نگاهی نو مطرح شود.

روایات موجود در مورد این عمل نیک، بیان می کنند که قرض حسن، نه تنها به حل بسیاری از گرفتاری های مردم کمک می کند، بلکه یک رفتار ارزشی و مؤثر در خودسازی و شکوفایی فردی و اجتماعی است. در تفسیر عیاشی از ابراهیم بن عبد الحمید از بعضی از معتمدان از امام صادق (ع) روایت کرده است که در تفسیر آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» فرمود: «منظور خدای تعالی از کلمه معروف، قرض است» (عیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۲۷۵). درست در نقطه مقابل قرض ربوی که نابودکننده روح ایثار و برادری و برابری و بسیاری از فضایل انسانی است؛ قرض حسن، احیاگر ارزش های دینی و انسانی همانند ایثار، عطوفت و مهربانی است. اکنون برای پی بردن به جنبه های گوناگون فرهنگ قرض حسن؛ چه در معنای قرآنی و چه در معنای مصطلح؛ در منابع روایی، با طبقه بندی احادیث مورد نظر در اصناف متعدد، این موضوع را بررسی می کنیم:

۱. **تشویق به قرض دادن:** مراجعه اجمالی به روایات نشان می دهد که معصومان به بیان های گوناگون، تمام مسلمانان را به عرضه و جوه برای قرض و رواج هر چه بیشتر این قرارداد ترغیب می کردند؛ چنان که در روایاتی، کلمه «معروف» در آیه ۱۱۴ سوره نساء به قرض الحسنه تفسیر شده (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۴۰) یا به طور مطلق، قرض از صنایع معروف شمرده شده است (همان: ج ۶ ص ۱۰۰). در برخی از آن ها با ذکر ثواب قابل ملاحظه ای برای قرض دهنده، یکایک افراد جامعه را به عرضه و جوه برای آن، ترغیب می کند (حرعاملی، بی تا: ج ۱۲، ص ۸۸).

همچنین در روایات متواتری از متون حدیثی امامیه و اهل سنت، ترجیح قرض بر صدقه، مورد تأکید قرار گرفته (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ص ۱۸۱، ج ۷۴، ص ۱۰۳ و ۳۱۱؛ هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۱۵۳۷۴؛ ابن قدامه، بی تا: ج ۴، ص ۳۵۲) و در بیان وجه ترجیح آن آمده است: قرض فقط به دست نیازمند می رسد؛ ولی صدقه در برخی موارد به غیر نیازمند هم داده می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۳۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۲۳۹؛ هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۱۵۳۷۳)؛ یعنی تقاضای قرض، فقط در صورت نیاز واقعی تحقق می یابد؛ ولی گاهی بدون نیاز هم، درخواست صدقه می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۳۹)؛



# مومنین کنفرانس ملے نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی

هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶ ص ۲۱۱؛ ابن قدامه، بی تا: ج ۴، ص ۳۵۲ و ۳۵۳) همچنین قرض به دست کسی می رسد که حاضر نشود شخصیت خود را با تقاضای صدقه، ضایع کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۴۰). انضمام این روایات به احادیثی که بر جایز بودن اعطای صدقه به نیازمند و بهره مندی از ثواب قابل ملاحظه آخرتی به واسطه این عمل خیر دلالت دارند، صحت و مشروعیت عقد قرض و پاداش عظیم در ازای اعطای آن را غیر قابل تردید خواهند کرد؛ چنان که در برخی از روایات آمده است که قرض دهنده در دنیا از دعای فرشتگان (حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۸۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۳۰۸)، و در آخرت از سایه رحمت الهی (هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶ ص ۱۵۳۹۱، ص ۲۱۴) بهره مند خواهد شد.

**۲. انذار از عدم عرضه:** در روایات مختلف به طرق متعددی، خودداری از عدم عرضه قرض به نیازمند، مورد نکوهش قرار گرفته است. از رسول اکرم روایت شده است که «کسی که برادر مؤمنش بر اثر نیاز به او مراجعه کند و او قرض الحسنه به برادر امین خود ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۸۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۳۳۹ و ۴۴۱). در برخی دیگر از روایات آمده است: «شایسته نیست فرد مسلمان با داشتن پول، درخواست قرض برادر مسلمانش را که محتاج هم هست رد کند» (هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۱۲، ح ۱۵۳۸۹ و ۱۵۳۹۰) یا «اگر مسلمان با برخورداری از توان عرضه جوه برای اعطای قرض به برادر مسلمان، از آن خودداری کند، به صورت قهری از او می گیریم» (همان: ج ۷۱، ص ۸۵، ج ۷۴، ص ۳۹۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: باب الثلاثه، ح ۱۳۵).

دقت در این عبارات بیانگر آن است که شارع مقدس به طرق مختلف به انذار مسلمانان از عدم عرضه جوه برای قرض الحسنه اهتمام ورزیده که تأثیر آن بر رفتار مسلمان مؤمن غیر قابل انکار است.

**۳. رفع مشکل عرضه:** از مهم ترین موانع عرضه، عدم اطمینان قرض دهنده به بازپرداخت در موعد مقرر است. دین مبین اسلام با راه های گوناگون به رفع آن اهتمام ورزیده است. در روایات بی شماری، مقتضی به حسن القضا تشویق شده و در تعدادی از آن ها آمده است: «بهترین انسان ها کسی است که در بازپرداخت قرض، نیکوترین آن ها باشد». (هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۲، ح ۱۵۴۳۴)؛ «کسی که به سهولت، قرض را بازپرداخت می کند، وارد بهشت می شود» (همان: ص ۲۲۶، ح ۱۵۴۵۹)؛ «اگر مدیونی برای ادای قرض، بکوشد، در طول آن مدت، خداوند برای او نگرهبانی قرار می دهد» (همان: ص ۲۲۱، ح ۱۵۴۲۸). به قرض گیرنده نیز سفارش شده است که موقع ادای دین، مقداری اضافه بپردازد که چون در عقد قرض، اضافه شرط نشده بود، چنین عملی نه تنها ربا و حرام نیست (حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۱۰۸)، بلکه مستحب است.

در تعدادی از احایث نیز عدم قصد و تلاش برای بازپرداخت دین و قرض مورد نکوهش و انذار شدید قرار گرفته و آمده است: «کسی که قرض کند و قصدش عدم بازپرداخت آن باشد، به منزله دزد است» (همان: ص ۸۲). همچنین برای احتراز از اختلال بین قرض دهنده و قرض گیرنده در امر بازپرداخت، در قرآن کریم (بقره/۲۸۲) و روایات بسیاری، شاهد گرفتن افرادی بر قرارداد و کتابت آن، مورد تأکید قرار گرفته است (مجلسی، ۱۳۰۴: ج ۱۰۳، ص ۱۵۴ و ج ۱۰۴، ص ۳۰۱؛ حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۹۳).

**۴. کنترل تقاضا:** مراجعه به روایات شریفه نشان می دهد که در اسلام به جانب تقاضای قرض هم عنایت ویژه ای مبذول شده تا از تقاضای کاذب جلوگیری شود و از ابراز تقاضاهای واقعی برای رفع نیازها هم اغماض نشود؛ چنان که در روایات فراوانی، استقراض بدون نیاز مورد مذمت قرار گرفته و آمده است: «از مدیون شدن پرهیزید؛ چون به دین شما، آسیب می رساند» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۷۷؛ هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۳۱) یا «سبب ذلت در روز و غم در شب می شود» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ص ۲۴۲) یا «هیچ غمی مانند شدت غم بدهکاری و قرض نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ص ۲۴۲).

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



ج ۱۰۳، ص ۱۴۲). حتی برخی از روایات، بدهکاری را معادل کفر قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۴۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۴۴).

پس مسلمان، موقعی به قرض روی می آورد که برای رفع مشکل چاره‌ای جز آن نداشته باشد یا اگر به قرض گرفتن اقدام نکند، فرصت مهمی از دست می رود و صدمه‌ای را دچار می شود؛ در غیر این صورت، قرض گرفتن اغتشاش فکری و ناراحتی روانی را در پی خواهد داشت. چنان که گفته شد، برای آن که نیازمند از تقاضای قرض امتناع نوزد، احادیث بی شماری بیانگر آن است که معصومان در قول و عمل به آن اهتمام ورزیده‌اند. در این زمینه در برخی از روایات آمده است در صورت ضرورت و نیاز به قرض (حعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۷۹ و ۸۲)؛ حتی برای حج و ازدواج (همان: ص ۸۲) و مانند آن، استقراض جایز است. در واقع، فردی که برای امور زندگی می کوشد، اما کمبود زندگی بر او فشار می آورد و چاره‌ای جز قرض نداشته باشد (همان: ص ۸۱) می تواند از این طریق مشکل خود را رفع کند؛ چنان که معصومان در چنین وضعی برای سامان دادن به زندگی خود و بیشتر برای امور اجتماعی یا تأمین نیازهای شخصی مردم به قرض روی می آوردند؛ از این رو بعضی از آن بزرگواران، هنگامی که از دنیا رفتند، مقروض بودند. به عنوان مثال در تاریخ آمده است که رسول اکرم برای تأمین زندگی خانواده خود بیست من جو، از یهودیان مدینه قرض گرفت و زره خود را نزد آنان فرو گذاشت (حعاملی، بی تا: ج ۱۳، ص ۸۱). حضرت علی (ع) نیز هنگامی که رحلت کرد، هشتصد هزار درهم مقروض بود. امام حسن (ع) مزرعه‌ای از حضرت را به پانصد هزار درهم و مزرعه دیگر را به سیصد هزار درهم فروخت و قرض‌های پدر را ادا کرد (همان: ص ۸۲). امام حسین (ع) هم هنگام شهادت مقروض بود. امام سجاد (ع) مزرعه‌ای از حضرت را به سیصد هزار درهم فروخت و قرض‌های پدر را ادا کرد (همان). امام زین العابدین (ع) در تنگنای معاش زندگی قرار گرفت و به یکی از غلامانش فرمود: «ده هزار درهم تا هنگام توانایی بر ادایش، برایم قرض بگیر» (همان: ص ۸۰).

## ۸. نتیجه گیری

سنت قرض الحسنه در دین اسلام، جایگاه بسیار عالی و پاداش فراوان دارد به طور که خدای متعال برای تشویق و ترغیب به این مهم با تعبیر بسیار عالی، خودش را بی واسطه، طرف دریافت کننده قرض مطرح نموده و برای پاداش و محفوظ بودن آن عمل نیک، بیان تضمینی ارائه نموده است. براساس نگرش تفسیری، آیاتی که در آن لفظ قرض آمده است، بر خصوص قرض الحسنه‌ی مصطلح دلالتی ندارد؛ اگرچه ممکن است قرض الحسنه را هم به صورت عمل نیکو در عنوان کلی انفاق و سایر اعمال پسندیده‌ای بدانیم که این آیات بر آن دلالت دارند. حتی استفاده از فقه‌القرآن نیز کمک شایانی برای استفاده از آیات مورد بحث برای خصوص قرض الحسنه نمی کند؛ چون اولاً بین فقها اتفاق نظر وجود ندارد و اندیشه‌وران متأخر، نظر متقدمان را درست ندانسته، و در مقام پاسخ و توجیه آن بر آمده‌اند. ثانیاً می دانیم که احادیث، متمم و مفسر قرآن کریم هستند؛ ولی احادیث روایت شده از معصومان در تفسیر این آیات، نه تنها نظر اندیشه‌وران متقدم فقه‌القرآن را تأیید نمی کند، بلکه در تفسیر آن آیات، معانی کلی انفاق و ... را بیان می دارد. این بیان به معنای انسداد باب اثبات صحت و مشروعیت نهاد قرض الحسنه نیست؛ بلکه می توان از عمومات و اطلاقات قرآنی برای صحت و مشروعیت قرض الحسنه استفاده کرد. آیات و احادیث در مودر قرض الحسنه را به چهار گروه می توان تقسیم نمود، که عبارتند از: ۱. تشویق به عرضه وجوه ۲. انذار از عدم عرضه ۳. رفع مشکل عرضه ۴. کنترل تقاضا.

## ۹. منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسین، (۱۳۷۱). قرض الحسنه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام



۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی تا). *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قاهره: دارالكتاب المصری.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۰۳ق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، بیروت: مؤسسۃ الاعلمی للمطبوعات.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۶۸)، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم: بیدار.
۵. ابن قدامه، موفق الدین، (بی تا)، *المغنی*، بیروت: دارالكتاب العربی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۷. اشتہاردی، محمد مهدی و عبدوس، محمد تقی، ۱۳۵۷ش، *اصول اخلاقی امامان علیہم السلام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. الانصاری القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (بی تا)، *الجامع لاحکام القرآن*. بیروت: دارحیاء التراث العربی
۹. بحرانی، سیدہاشم بن سلیمان، (۱۴۱۲ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالہادی.
۱۰. بیگ محمدی، جواد، (۱۳۸۶)، *باران برکت*، قرض الحسنہ هست ها و بایستہ ها، قم: دفتر عقل
۱۱. جر، خلیل، (۱۳۷۶)، *فرہنگ لاروس عربی - فارسی*، تہران: امیر کبیر.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۱۳. حجازی، محمد محمود، (۱۴۰۲)، *التفسیر الواضح*، بیروت: دارالكتاب العربی.
۱۴. حرّ العاملی، محمد بن الحسن، (بی تا)، *وسائل الشیعہ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حقّی بروسوی، اسماعیل، (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، (۱۳۶۰)، *الحیاء*، قم: مؤسسۃ چاپ و نشر وابستہ بہ جامعہ مدرسین.
۱۷. رازی، فخرالدین، (۱۴۱۱)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
۱۸. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم الدار الشامیہ.
۱۹. رشیدرضا، محمد، (بی تا)، *المنار (التفسیر للقرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار)*، بیروت: دارالفکر.
۲۰. رفیعی، رمضانعلی، (بی تا)، *قرض الحسنہ در فقہ و نظام بانکی*، *فصلنامہ مربیان*، سال ششم، ش ۲۱.
۲۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، (بی تا)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۲. سیاح، احمد، (۱۳۷۵)، *فرہنگ بزرگ جامع نوین*، تہران: انتشارات اسلام.
۲۳. سیدقطب، (۱۴۰۸)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴)، *الدر المنثور*، قم: منشورات مکتبۃ آیۃ اللہ العظمی المرعشی النجفی.
۲۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴)، *نہج البلاغہ*، قم: نشر ہجرت.
۲۶. شیرازی بیضاوی، ناصرالدین ابی سعید، (۱۴۰۸)، *تفسیر البیضاوی*، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
۲۷. صادقی، محمد، (۱۳۷۳)، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم: فرہنگ اسلامی.



# ومین کنفرانس ملے نوآورے و تحقیق در علوم انسانے، مدیریت و معارف اسلام

۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین، (بی تا)، المیزان، قم: مؤسسہ مطبوعات دارالعلم.
۲۹. طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسین، (۱۴۰۸)، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفہ.
۳۰. طریحی، فخرالدین، (۱۳۹۵ ق)، مجمع البحرین، المکتبۃ المرتضویہ.
۳۱. طنطاوی جوهری، سید محمد، (۱۴۱۲)، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۳۴. عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ ق)، الوحیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.
۳۵. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۳۷۰ ش)، نورالتقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۶. عسکری، ابی هلال، (۱۴۱۲ ق)، معجم الفروق اللغویہ، قم: انتشارات جامعہ مدرسین.
۳۷. عیاشی (المسلمی السمرقندی)، محمد بن مسعود بن عیاش، (بی تا)، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبہ الاسلامیہ.
۳۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۸ ق)، کنز العرفان فی فقہ القرآن، بیروت: مؤسسہ اهل البيت علیہم السلام.
۳۹. فیض کاشانی، محسن، (بی تا)، الصافی، بیروت: مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
۴۰. قرآن کریم
۴۱. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسہای از قرآن.
۴۲. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیہ.
۴۳. قطب راوندی، سعید بن ہبہ اللہ، (بی تا)، فقہ القرآن، بی نا.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، لبنان: مؤسسہ الوفاء.
۴۵. محمدی ری شہری، محمد، (۱۳۶۳ ش)، میزان الحکمہ، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۶. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
۴۷. مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰ ق)، سلسلہ الینایع الفقہیہ، بیروت: دار احیاء التراث و الدار الاسلامیہ.
۴۸. معین، محمد، (۱۳۶۰ ش)، فرهنگ فارسی، تهران: نشر امیر کبیر.
۴۹. مغنیہ، محمدجواد، (۱۹۸۱ م)، التفسیر الکاشف، دارالعلم للملایین.
۵۰. مقدس اردبیلی، احمد، (بی تا)، زبده البیان، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۹)، تفسیر نمونہ، قم: دارالکتب الاسلامیہ.
۵۲. موسوی خمینی، سیدروح اللہ، (بی تا)، تحریر الوسیلہ، قم: المکتبۃ العلمیۃ الاسلامیہ.
۵۳. ہادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۰)، اوراق قرض الحسنہ، مجلہ اقتصاد اسلامی، ص ۸۳-۱۰۴، ش ۴.
۵۴. ہاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۷۳ ش)، تفسیر راہنما، با همکاری جمعی از نویسندگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۵. ہندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسہ الرسالہ.

ومين كنفرانس ملے نو آوريے و تحقيق در  
علوم انسانے، مديريت و معارف اسلامے

